

خبرنامه

کارگری - اقتصادی

تفسیر خبری

میلیاردها در لیست بیمه کارگران ساختمانی، کارگران ساختمانی در لیست انتظار!

مدیر کل بازرسی کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در همایشی اعلام کرد «روزانه ۴ کارگر ساختمانی در کشور به صورت مستقیم بر اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست می‌دهند و هر روز ۲۰ تا ۲۴ کارگر ساختمانی نیز بر اثر بیماری‌های ناشی از کار جان می‌بازند.»

اگر آمار جانباختگان کارگران ساختمانی در حوادث حین کار و جانباختگان بیماری‌های ناشی از کار را در کنار هم قرار دهیم، می‌توانیم حدس بزنیم که نزدیک به ۱۰ هزار کارگر ساختمانی در سال گذشته جان خود را از دست داده‌اند. با توجه به اینکه کارگرانی که در هنگام کار یکی از اعضای بدنشان قطع یا آسیب دیده است در این آمار مستتر نیست و از طرف دیگر جان باختن کارگران مهاجر در این آمار ثبت نشده است و همه ما می‌دانیم که تعداد زیادی از مهاجرین در ایران، در کارهای ساختمانی مشغول به کار هستند.

با تمامی تفاسیر، این آمار دولتی و رسمی عمق فاجعه جان باختن کارگران ساختمانی را به وضوح نشان می‌دهد در حالیکه در کشور ایران دست اندرکاران هنوز واهمه دارند تا تمامی فجایعی که در این عرصه اتفاق می‌افتد را به ثبت برسانند. همچنین به علت اینکه کارگران ایران هیچ سازمان و تشکل مستقلی برای سازماندهی و انعکاس اخبار کاری خود ندارند و تمامی آمارها از کانال‌های رسمی دولتی به بیرون داده می‌شود، همین موضوع عاملی می‌شود که حتی آمار ارائه شده توسط دولت، با شک و شبیه پذیرفته شود.

در حال حاضر ایران از نظر ایمنی کار در بین ۱۸۹ کشور جهان، رتبه ۱۰۲ را به خود اختصاص داده است و در آمارهای ارائه داده شده دولتی در مورد حوادث ناشی از کار نشان می‌دهد که نزدیک به ۵۰ درصد این حوادث مربوط به کارگران ساختمانی می‌باشد که در حین کار برای آنان اتفاق می‌افتد.

قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی در سال ۸۶ به تصویب مجلس ایران رسید، ولی این قانون به دلایل اجرایی و داشتن بار مالی برای دولت مسکوت گذاشته شد و بعد از چندین سال با اصلاحیه‌های متفاوتی که به آن اضافه شد، بالاخره به اجرا در آمده است و سازمان تأمین اجتماعی را مکلف کرده است با دریافت ۷ درصد حق بیمه از کارگر و ۱۵ درصد از عوارض صدور پروانه از مالک، برای پوشش دادن بیمه تمام کارگران ساختمانی اقدام کند. با گذشت ۱۰ سال از تصویب و به مرحله اجرا در آمدن این قانون، هنوز بخش عظیمی از کارگران ساختمانی بیمه نشده‌اند و حتی برنامه‌ای هم برای بیمه شدن آنان از طرف دولت اعلام نشده است. هادی ساداتی عضو هیئت مدیره کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران اعلام کرد «۶۰ درصد از کارگران ساختمانی بیکار هستند. تعداد زیادی از کارگران در حوزه ساختمان به کارهای دیگر اشتغال دارند. حدود ۲ میلیون تا ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر کارگر ساختمانی در کشور وجود دارد که حدود ۶۰ درصد آنها برابر با ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر بیکار هستند.»

در سال ۹۵، طبق وعده‌هایی که وزیر کار و سازمان تأمین اجتماعی داده بودند، می‌بایست ۲۰۰ هزار کارگر ساختمانی بیمه می‌شدند، اما از نیمه دوم سال ۹۴ تا به امروز یک کارگر ساختمانی هم حتی به لیست بیمه شدگان اضافه نشده است.

محمد باقری عضو انجمن صنفی کارگران ساختمانی کشور اعلام کرد «با گذشت ۱۰ ماه از شروع سال ۹۵، هنوز حتی برای یک کارگر ساختمانی جدید، پرونده بیمه تأمین اجتماعی تشکیل نشده است.» نایب رئیس کانون انجمن‌های کارگران ساختمانی استان کردستان اعلام کرده است: «تقریباً ۶۰ درصد از کارگران ساختمانی استان کردستان از سهمیه بیمه کارگران ساختمانی بی‌بهره‌اند.» اکبر شوکت رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی به روزنامه شهروند می‌گوید: «۲۰۰ هزار پولدار ایرانی به اسم کارگر ساختمانی بیمه شده‌اند تا حق بیمه کمتری بپردازند و بازنشسته شوند! حالا به تازگی سامانه پالایش بیمه کارگران ساختمانی راه‌اندازی شده است و بیمه‌شدگان این سامانه که نزدیک به یک میلیون و ۱۰۰ نفر هستند، احراز هویت شده‌اند و از این میان اسامی میلیارد‌درهایی بیرون کشیده شده است که یا وارد کننده خودروهای لوکس هستند یا وام‌ها و تسهیلات چند میلیارد تومانی از بانک‌ها و مؤسسات مالی گرفته‌اند. در این فهرست، پزشکان، دندانپزشکان، وکلا، مهندسان ساختمانی و حتی بازاری‌های ثروتمند نیز وجود داشته است. این ثروتمندان با استفاده از یارانه‌های دولتی کارگران ساختمانی به جای پرداخت ۳۰۰ هزار تومان تعرفه ماهانه بیمه، تنها ۷۰ تا ۸۰ هزار تومان پرداخت کرده‌اند.»

در جامعه امروزی ایران - بعد از گذشت حاکمیت ۳۷ سال رژیم مطلقه فقهاتی -، هر طرح و قانون و مصوبه‌ای هم برای بهتر شدن شرایط مردم ایران در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی و حتی سیاسی و غیره از طرف حاکمیت ایران مطرح یا به تصویب می‌رسد، متأسفانه نمی‌تواند به صورت اصولی به مرحله اجراء درآید و ریشه آن را باید در وجود فسادهای چند لایه‌ای اقتصادی، اجتماعی، تشکیلاتی و... در بالائی‌های حاکمیت دید. یعنی ریشه فساد در مولفه‌های مختلف آن در جامعه امروز ایران را باید در بالائی‌های حاکمیت دید و تا زمانی که قدرت (در مولفه‌های مختلف آن، سیاست، اقتصاد، اطلاعات و...) از دست نهادها و افراد خودویژه خارج نشده است و به حوزه عمومی و نمایندگان میلیونها مزدبگیر منتقل نگردد، امکان مقابله با فسادهای اقتصادی و فسادهای اجتماعی و فسادهای اداری و مشکلات عدیده نیروی کار در جامعه امروز ایران وجود نخواهد داشت، حتی اگر بهترین طرح را قانون و مصوبه کنیم.

تهدید جامعه کارگری و بازنشستگان در انتخابات از روحانی به دلیل عدم تحقق مطالبات

علیرضا امیری رئیس کانون بازنشستگان تامین اجتماعی استان مرکزی؛ کارگران در همه صحنه‌ها از جمله پیروزی انقلاب اسلامی، هشت سال جنگ تحمیلی و سنگرهای کار، تولید و سازندگی نقش پررنگی داشته اما متأسفانه تا کنون هیچ دولتی به‌ویژه دولت یازدهم به این قشر و مشکلات آنها توجهی نداشته و در بخش تامین اجتماعی ظلم بزرگی در حق این قشر انجام داده‌اند. وی افزود: حقوق یک کارگر از ابتدای انقلاب از ۹ دلار امروز به ۷ دلار رسیده و این درحالی است که هزینه‌ها باتوجه به افزایش چند برابری کالاها چندین برابر شده است. جامعه کارگری با مشکلات بسیاری مواجه است که از جمله آنها تبدیل سازمان به صندوق، افزایش بدهی‌ها و عدم اجرای تعهدات قانونی و تغییرات در مدیریت که در ۸ سال ۶ مدیر عوض شده و هر کدام از این مدیران بدترین ظلم را در حق این کارگران کرده‌اند. دولت فعلی با رای کارگری سرکار آمده و باید در قبال حامیان خود انجام وظیفه کند اما متأسفانه تاکنون از سوی دولت هیچ توجهی به جامعه کارگری و بازنشستگان نشده است. جامعه کارگری به‌ویژه بازنشستگان همیشه دغدغه‌هایی از جمله مسائل کارفرمایان و عدم پرداخت حقوق، اخراج و مشکلات قراردادی، بیکاری فرزندان تحصیل کرده خود، عدم کسب و کار و خوابیدن چرخه تولید صنعت از یک طرف و عدم پرداخت بدهی‌های خود به سازمان تامین اجتماعی و بحث ادغام درمان که متأسفانه در این راستا انرژی زیادی از بیمه‌شدگان و بازنشستگان صرف شده و زمانی که زورشان نرسید دولت تدبیر و امید با ترفند وزیر بهداشت منابع درمان این قشر را از سازمان تامین اجتماعی گرفته و آن را صرف بیمه سلامت کنند، را داشته‌اند که باید مورد توجه قرار گیرد.

دولت یازدهم بحث حقوق شهروندی را مطرح می‌کند اما اینکه پولی که من کارگر باید برای درمان پرداخت کنم و دولت آن را با حاکمیت خود صرف بیمه سلامت کند هیچ سنخیتی با بحث حقوق شهروندی ندارد، دولت باید در این چندماهه باقیمانده از خدمت خود تکلیف جامعه کارگری و بازنشستگان را مشخص کند. اگر دولت یازدهم حمایت بازنشستگان تامین اجتماعی که نزدیک به هفت میلیون نفر هستند را می‌خواهد باید در افزایش حقوق‌های امسال، اجرای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و پرداخت بخشی از بدهی‌های خود به سازمان تامین اجتماعی اقدام نماید زیرا در غیر این صورت از حمایت جامعه کارگری و بازنشستگان محروم می‌شود.



مرگ روزانه چهار کارگر ساختمانی بر اثر حوادث کاری در کشور

مدیرکل بازرسی کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعلام کرد، روزانه چهار کارگر ساختمانی در کشور به صورت مستقیم بر اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست می‌دهند. محمد اصابتی در نخستین همایش ایمنی، بهداشت و محیط زیست در صنعت ساختمان در محمود آباد مازندران افزود: روزانه ۲۰ تا ۲۴ کارگر ساختمانی نیز بر اثر بیماری‌های ناشی از کار جان می‌بازند. وی گفت: تنها در سال گذشته افزون بر یک هزار و ۴۰۰ نفر از کارگران ساختمانی در حوادث ناشی از کار جان باختند و آمار سال ۹۳ هم حدود یک هزار و ۸۰۰ نفر بود. اصابتی افزود: از سال ۸۹ تا سال ۹۴ در یک پروسه زمانی پنج ساله حدود ۱۰ هزار کارگر ساختمانی در حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند.

فاجعه پلاسکو ناشی از کدام حلقه مفقوده است؟



همه می گویند وظیفه خود را انجام داده ایم پس علت فاجعه پلاسکو چه بود؟

مرده خوری سیاسی و مسأله کارآمدی

چند روز دیگر تب و تاب فاجعه پلاسکو هم فروکش می کند و دوباره روز از نو و روزی از نو. چند روز دیگر که استریم شبکه های اجتماعی از عکس دلاوران آتش نشانی خالی می شود، چند روز دیگر که عکس گرفتنها و رژه رفتن های مسئولان با ربط و بی ربط با مساله پایان یافت و عکس های شان در رسانه ها خوب چرخید، چند روز دیگر که لشکرکشی توییتری و پلاسی و فیس بوکی برای داغ کردن و ترند کردن فلانی باید برود و فلانی قهرمان است تمام شد، تازه می شود روز از نو و روزی از نو، تازه گروه ها و جریان های سیاسی مترشان را دست می گیرند تا اندازه بگیرند چقدر در این گیرودار رأی به کیسه شان رفته است، تازه می آیند بررسی کنند که چگونه سازمان رأی خود را بر بنای خراب شده پلاسکو بنا کنند؟ چگونه دوقطبی نو بر مبنای ویرانه پلاسکو سازند و از قبل آن رأی بیاورند و دوباره با تعارف و عدم قاطعیت و مدیریت باری به هر جهت سبب ساز و قایعی هولناک چون حادثه قطار تبریز- مشهد شوند و همین طور این سیکل باطل ادامه پیدا کند، سیکل بازتولید ناکارآمدی برای فتح صندوق و فتح صندوق برای تولید ناکارآمدی...! از روزنامه وطن امروز





رانندگان اتوبوسرانی رشت تجمع کردند

حدود ۴۰ نفر از رانندگان شرکت اتوبوسرانی رشت روبروی این شرکت تجمع کردند. این افراد در اعتراض به پرداخت نشدن ۲ ماه حقوقشان در بلوار چمران رشت تجمع کردند. رانندگان اتوبوسرانی رشت در ادامه اعتراضشان از روشن کردن اتوبوسها برای جا به جایی مسافران خودداری کردند. یکی از رانندگان معترض به نمایندگی از همکارانش گفت: الان ۲ ماه است که حقوق نگرفته‌ایم و وارد ماه سوم می‌شویم. وی افزود: علاوه بر این مابه‌التفاوت افزایش سالانه حقوق و مزایای از سال ۹۰ تا کنون پرداخت نشده است. تجمع رانندگان اتوبوسرانی رشت پس از یک ساعت با وساطت و قول مسولان این شرکت برای پرداخت مطالبات خاتمه یافت و رانندگان به سر کارشان بازگشتند.

اخراج گسترده کارگران در پالایشگاه هرمزگان

کارگران پالایشگاه هرمزگان واقع در شهر بندرعباس، از اخراج چند صد نفر از همکاران خود خبر دادند. به گفته این کارگران در اوایل ماه جاری با تعداد زیادی از کارگران این پالایشگاه تسویه حساب انجام شده است. کارگران، تعداد اخراجی‌ها را چند صد نفر عنوان می‌کنند. یکی از کارگران این پالایشگاه که خودش سرپرست تعدادی از کارگران پیمانکاری این واحد را بر عهده دارد، می‌گوید: در پالایشگاه هرمزگان حدود هزار کارگر پیمانکاری مشغول به کار هستند که در اقدامی عجیب، با حدود نیمی از آنها تسویه حساب شده است. این کارگر، با بیان این که چند روز قبل از این تعدیل، کارگران پالایشگاه در اعتراض به معوقات مزدی، تجمعات اعتراضی برگزار کردند، این تعدیل‌ها را با تجمعات اعتراضی بی ارتباط نمی‌داند و می‌گوید: گرچه پس از تجمعات کارگران، بخشی از معوقات پرداخت شد، اما احتمال دارد کارگران به دلیل حضور در این تجمعات اخراج شده بودند. یکی از کارگرانی که قراردادش تمدید نشده و با وجود ادامه کار پروژه محل فعالیتش، بیکار شده می‌گوید: ما کارگران اخراجی نگران هستیم که ممکن است طبق اتفاقی که بارها قبل از این در پروژه‌های نفتی برای کارگران اخراجی رخ داده، در لیست سیاه قرار بگیریم و هیچ پیمانکاری در سال آینده با ما قرارداد منعقد نکند.

چهل روز از اعتراضات کارگران کشت و صنعت مهاباد گذشت

بیش از چهل روز از اعتراض کارگران مجتمع کشت و صنعت مهاباد نسبت به ماهها معوقات مزدی می‌گذرد. این کارگران بیش از چهل روز است که در بیرون مجتمع و در هوای سرد ایستاده‌اند و نسبت به ۱۶ ماه مطالبات مزدی خود اعتراض کرده‌اند. علیرغم اعتراضات طولانی و مراجعات مکرر به همه مقامات مسئول در سطح شهرستان و استان، هیچ کس پاسخگویی ما نیست و فقط وعده‌های توخالی می‌دهند. از قرار معلوم، جلسه‌ای در فرمانداری مهاباد با حضور فرماندار مهاباد، نمایندگان کارگران و کارفرمای جدید مجتمع برگزار شده که در نهایت این جلسه نیز به نتیجه مشخصی نرسیده و زمان پرداخت مطالبات کارگران مشخص نشده است. یکی از نمایندگان کارگران که در این جلسه حاضر بوده، می‌گوید: کارفرمای جدید و مقامات می‌گویند نقدینگی نداریم؛ اما باید پرسید اگر نقدینگی نیست چطور کارفرمای جدید توانسته مجتمع را در مزایده خریداری کند اما حالا که نوبت به پرداخت مطالبات کارگران رسیده، می‌گوید نقدینگی نیست. این کارگران پس از واگذاری مجتمع از طریق مزایده، بیش از ۱۶ ماه است که دستمزد خود را دریافت نکرده‌اند. در سی و هفتمین روز اعتراض، نیروی انتظامی از این کارگران که بیرون مجتمع در هوای سرد چادر زده بودند، خواست که چادرها را جمع کنند؛ کارگران ولی می‌گویند این روزها بدون چادر هم به اعتراض خود ادامه داده‌ایم و در انتظار پاسخگویی مسئولان هستیم.

تجمع کارگران کشت و صنعت مقابل فرمانداری مهاباد

همزمان با سفر استاندار آذربایجان غربی به مهاباد، جمعی از کارگران کشت و صنعت مهاباد، مقابل فرمانداری مهاباد تجمع کردند. کارگران می گویند از ساعت نه صبح تا حدود ساعت ۱۴ مقابل فرمانداری ایستادیم اما نه استاندار آذربایجان غربی و نه فرماندار مهاباد، با وجود این که در ساختمان فرمانداری حضور داشتند، حاضر نشدند با ما صحبت کنند. این کارگران با انتقاد از عدم پاسخگویی مسئولان استان می گویند: ۱۶ ماه دستمزد طلبکاریم؛ بیش از چهل روز مقابل درب مجتمع در برف و سرما تجمع کردیم، ولی کسی پاسخگو نشد؛ حالا هم که استاندار به این شهر آمده حاضر نیست پای درد دل ما بنشیند و حداقل به مشکلاتمان گوش بسپارد. از قرار معلوم حدود چهل نفر از کارگران مجتمع کشت و صنعت، به نمایندگی همکارانشان در تجمع امروز شرکت داشته‌اند.

کارگران کاشی گیلانا مقابل فرمانداری رودبار تجمع کردند

جمعی از کارگران کاشی گیلانا در اعتراض به متوقف شدن فعالیت این واحد تولیدی به دلیل انباشت بدهی به نهادهای دولتی و نگرانی از آینده شغلی‌شان مقابل ساختمان فرمانداری رودبار تجمع کردند. عمده‌ترین مشکل مالی این کارخانه بدهی ۲ میلیاردی به اداره گاز منجیل است که در نتیجه انباشت بدهی، گاز کارخانه قطع شده و کارگران از مهر ماه کاری برای انجام دادن نداشته‌اند. همچنین این واحد حدود ۶۰۰ میلیون به اداره برق و ۶ میلیارد تومان به اداره تأمین اجتماعی بدهی دارد. کارگران کاشی گیلانا از خرداد ماه دستمزد دریافت نکرده‌اند. گفته می‌شود معوقات مزدی پیشین این کارگران که مربوط به سال‌های ۸۹ تا دی ماه سال ۹۳ می‌شود به حدود ۳۰ ماه می‌رسد. کارگران با وجود تعویق حدود ۳۴ ماه مطالبات حقوقی از سال ۸۸ تا کنون، این روزها به لحاظ مالی در شرایط نامناسبی به سر می‌برند و مسئولان استانی می‌خواهند به جای حل مسئله صورت مسئله را پاک کنند اما کارگران مخالف این موضوع هستند. به گفته این کارگر کاشی گیلانا، بیشتر ماشین آلات و تجهیزات کارخانه از سوی طلبکاران مصادره شده است و اخیراً نیز تعدادی از کارگران بازنشسته کارخانه برای وصول بخشی از مطالبات بازنشستگی خود بخشی از اموال کارخانه را به مزایده گذاشته‌اند. بر اساس مصوبه کمیسیون کارگری شهرستان رودبار در استان گیلان این واحد تولیدی موقتاً تعطیل و تمامی کارگران برای دریافت مقرری به صندوق بیمه بیکاری معرفی خواهند شد.

اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه از سرگرفته شد

به گزارش کارگر آنلاین، شماری از کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه که در بخشهای کشاورزی و صنعتی این مجتمع مشغول کارند، امروز چهارشنبه (۶ بهمن ماه) نیز نسبت به آنچه که پرداخت نشدن حقوق خود عنوان شد در محل این شرکت در شهرستان شوش دست به تجمع زدند. بر همین اساس، تعداد حدود ۵۰۰ نفر از همه واحد های این مجتمع، از صبح امروز در محوطه شرکت تجمع کرده و خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود شده‌اند. کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه طی ماه های گذشته نیز با تجمع در محل این شرکت، خواهان مطالبات صنفی خود شده بودند. یکی دیگر از عوامل اجتماع امروز آنان این است که به تازگی مدیریت مجتمع نیشکر هفت تپه به مدیران زیر مجموعه خود ابلاغ کرده است که به هر ترتیب مانع اعتراض کارگران شوند. حاضران در این اجتماع صنفی تصریح کردند، کارفرمای خصوصی اگر به تعهدات مالی خود در برابر کارگران عمل کند دیگر نیازی ندارد که تا برپایی اجتماعات صنفی را ممنوع اعلام کند.

این کارگران می گویند تا همین لحظه کارفرمای این واحد صنعتی بابت بدحسابی در مقابل آنها مرتکب تخلف از قانون شده است و کارفرمای مجتمع هفت تپه تا پایان سال بیش از ۴۵ میلیارد تومان تعهدات مالی به کارگران دارد که باید پرداخت کند. آنها در توضیح بخشی از مطالبات خود یادآور شدند که از یکسو هنوز دوماه از موعد دریافت آخرین دستمزدشان گذشته است و از سوی دیگر مطالبات مربوط به پاداش سال گذشته آنان نیز هنوز صورت نگرفته است. همچنین بیش از ۲۵۰ نفر از کارگران بازنشسته این مجتمع هنوز نتوانسته‌اند مطالبات بازنشستگی خود را از کارفرما دریافت کنند در عین حال تعداد زیادی از کارگران روزمزدی مجتمع حقوق بهمن و اسفند ماه سال گذشته (۹۴) خود را از کارفرما طلبکارند. همچنین پرداخت نشدن حق بیمه دوران بیکاری کارگران نیز که در فاصله سالهای ۶۸ تا ۹۲ مشغول کار بوده‌اند از دیگر خواسته های این گروه از کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه است. آنان در خاتمه تصریح کردند با وجود وعده‌های کارفرما در خصوص رفع مشکلات کارگران این گروه صنعتی، کشاورزی هنوز اقدامی در این خصوص صورت نگرفته است.

کارگر عبارت از گروه اجتماعی یا بزرگترین گروه اجتماعی می‌گردد که در جامعه از طریق مزدگیری توسط فروش نیروی کار یا نیروی فکر خود امرار معاش می‌کنند. و از خود هیچ اختیاری ندارند و این کارفرمایان و صاحبان سرمایه هستند که بر او شکل کار و مزد و مزایا را به دلخواه و در چارچوب هر چه بیشتر کاهش هزینه خود، تحمیل می‌کنند»

تجمع کارگران هپکو هنوز ادامه دارد

منابع خبری ایلنا در کارخانه هپکو اراک می‌گویند که دلیل برپایی این اعتراض پانزده روزه بی‌تفاوتی کارفرمای کارخانه در قبال پرداخت مطالبات کارگران است. به ادعای این کارگران مشکلات کارخانه هپکو اراک زمانی آغاز شد که این واحد صنعتی از سال ۸۶ به بخش خصوصی واگذار شد و از آن زمان تا کنون با مشکلات فراوانی روبه‌رو هستیم و طی این مدت به دلیل بی‌توجهی مسئولان نه تنها وعده‌ها هنوز بی‌عمل مانده است که هر روز بر فشار مشکلات افزوده می‌شود. کارگران که از بابت واریز نشدن ۵ ماه مطالبات معوقه خود در آستانه سال نو نگرانند یادآور می‌شوند که در حال حاضر منفک کردن بخش خصوصی کارخانه در صدر خواسته‌های آنان قرار دارد. کارگران معترض هپکو می‌گویند تا بازگشتن سهام کارخانه به بخش دولتی به تجمعات هر روزه خود ادامه می‌دهیم.

تجمع کارگران شهرداری نی ریز در اعتراض به عدم دریافت حقوق



کارگران که در شهرداری شهر نی ریز از توابع شهرستان نی ریز در استان فارس مشغول کارند. روز گذشته (۲ بهمن ماه) در اعتراض به معوقات مزدی خود در مقابل ساختمان اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی این شهر تجمع کردند. همچنین به نقل از کارگران خدماتی شهرداری نی ریز که حدود ۴ ماه مطالبات مزدی طلب دارند گفته می‌شود بی‌توجهی به پرداخت مطالبات آن‌ها، باعث شده است تا از لحاظ معیشتی دچار مشکلات زیادی شوند. طبق اظهارات آنان، جدا از اعتراض روز گذشته، آنها تجمعات متعددی را در مقابل ساختمان شهرداری و دفتر امام جمعه این شهر برگزار کرده‌اند که تا کنون افاقه نکرده است.

اخبار قانون کار ضد کارگری

بیکاری ۱۶۰ کارگر نورد زرفام در پی ورود سرمایه‌گذار هندی

کارخانه ذوب نورد زرفام در استان یزد که در زمینه ساخت و تولید انواع شمش‌های فولادی فعالیت دارد به دلیل آنچه واگذاری مالکیت کارخانه به یک کارفرمای هندی عنوان می‌شود، موقتاً از حدود دو هفته پیش تعطیل اعلام شده است. در نتیجه این اتفاق ۱۶۰ کارگر شاغل در این واحد تولیدی با یک ماه و نیم ماه حقوق معوقه به همراه عیدی و سنوات سال جاری هم اکنون از کار بیکار شده‌اند. بنابر اظهارات کارگران کارخانه ذوب نورد زرفام، این واحد صنعتی دارای تولید و بازار فروش خوبی بود اما کارفرمای این کارخانه تازه تاسیس که ظاهراً امکان نگهداری کارخانه نداشته است به تازگی مالکیت آن را به یک سرمایه‌گذار هندی واگذار کرده و از قرار معلوم کارفرمای جدید قصد دارد برای ادامه تولید از نیروهای کار هندی استفاده کند. کارگران با یادآوری این نکته که هنوز مالکیت این واحد صنعتی به صورت کامل به کارفرمای خارجی تبار جدید منتقل نشده است، می‌گویند که با وجود داشتن ۵ سال سابقه کار در این واحد تولیدی، کارفرمای جدید از زمان تعطیلی کارخانه به آنها اجازه ورود به محل کارگاه را نداده است و در عین حال گفته شده است که باید در ماه جاری همه آنها برای تسویه حساب اقدام کنند. مسئولان استانداری یزد در تجمع روز گذشته قول ادامه اشتغال آنها در کارخانه ذوب نورد زرفام را داده‌اند. ضمن اینکه امروز یکشنبه نیز اعضای شورای تامین شهرستان اشکذر در محل فرمانداری این شهرستان قرار است جلسه‌ای را در ارتباط با ما کارگران و مشکلات کارخانه برگزار کنند.

کارگرانی که توان چانه زنی ندارند از حقوق کار محروم اند

«علی خادم» فعال کارگری اظهار داشت: نهادهای مدنی کارگری به دلیل فقدان قدرت چانه زنی نتوانسته‌اند در مناسب روابط کار دسته بالا را داشته باشند و همین موجب شده که تشکل‌ها و انجمن‌های صنفی کارگری نتوانند در استیفای حقوق کارگران نقش پررنگی داشته باشند. تلاش برای تحمیل لایحه معیوب اصلاح قانون کار، ایجاد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و متداول شدن قراردادهای موقت را محصول همین عدم توان چانه زنی است. اگر امروز از توان چانه زنی بر سر میز مذاکره برخوردار بودیم شاهد این نبودیم که امنیت شغلی را فدای امنیت سرمایه‌گذار می‌کنند. رئیس سابق انجمن کانون انجمن‌های صنفی کارگری استان آذربایجان شرقی با اشاره به عدم رعایت سه جانبه‌گرایی با وجود الحاق ایران به مقوله نامه ۱۴۴ سازمان جهانی کار، تصریح کرد: برخورداری از توان چانه زنی بدون رعایت سه جانبه‌گرایی معنا نخواهد داشت و با آن معنا می‌یابد از این رو نباید به آن به شکل تزئینی نگاه کرد.

کلیدواژه آغاز تحولات اجتماعی در مقابل غول استبداد و استثمار

تحلیل‌گران مسائل اجتماعی به این مهم اذعان دارند که بحران ساختار سیاسی در ایران پاشنه آشیل تحولات اجتماعی محسوب می‌گردد. به این معنی که «در ۳۸ سال گذشته بیش از ۸۰٪ کل قدرت سیاسی و اقتصادی و قضائی و اجرائی و تقنینی و نظامی و انتظامی و امنیتی و تبلیغاتی و فرهنگی و غیره جامعه ایران در دست یک فرد قرار گرفته که علاوه بر اینکه مشروعیتش را از آسمان گرفته است و نه از انتخاب مردم، نماینده مستقیم امام زمان در کره زمین می‌باشد و دارای قدرت ولایت پیامبر اسلام است و به عنوان یک عقل کل، در برابر هیچ نهادی هم پاسخگو نمی‌باشد!»

همانطور که در این پیام تحلیل‌گران مستتر است تحولات سخت‌افزاری در جامعه ایران امری است که تمامی ابعاد فسادهای ساختاری اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را در بر می‌گیرد که می‌توان نتیجه گرفت تحول در زمینه‌های فوق به امروز و فردای جنبش‌های اجتماعی در ایران خلاصه نمی‌شود و رسالتی مستمر و تاریخی خواهد بود که بی‌شک با دوره‌بندی و اولویت‌سازی در بحران‌های اجتماعی می‌بایست به نیازها و ضرورت‌های آن پاسخ داد. در این راستا آنچه که به عنوان مهم‌ترین نرم‌افزار تحول همه‌گیر لازم به تاکید است، شناسائی عامل عمده و کلیدواژه استارت تحولات اجتماعی با شناسائی جنبش یا جنبش‌های اجتماعی در مقطع کنونی است تا با تکیه بر آن بشود تا در مقابل غول بحران در کشور عمل کرد. هم اینک جنبش‌ها با مطالبات تاریخی انباشته شده در لایه‌های زیرین اجتماعی حضور دارند. در این رابطه ما می‌توانیم بر اساس نقش و اهمیت که هر یک از جنبش‌های اجتماعی ایفا می‌کنند، به لحاظ کمی و نیز به لحاظ کیفی از جنبش مزدبگیران در ایران به عنوان مستعدترین جنبشی که می‌تواند پرچمدار تحولات اجتماعی باشد، نام ببریم. زیرا جنبش مزدبگیران از نظر تاریخی و شرایط عینی دارای بالاترین پتانسیل مبارزات اجتماعی است.

در تعریف از طبقه مزدبگیر در ایران بخشی از تحلیل‌گران معتقدند که کیفیت و کمیت این طبقه از تعریف کلاسیک فاصله گرفته و عناصر و طیف‌های متفاوت دیگری را نیز در خود جای می‌دهد؛ «در جامعه امروز ایران کارگر با تعریف مزدبگیر، کسی است که مجبور می‌شود جهت امرار معاش خود نیروی بازو و فکر و هر دو خود را در برابر مزد بخور و نمیر به صاحبان سرمایه اعم از حکومت و دولت و دستگاه‌های شبه دولتی و بخش خصوصی بفروشد» «در جامعه ۲۲ میلیون خانواری ایران امروز، بیش از ۱۵ میلیون خانوار آن مزدبگیر می‌باشند که در جامعه امروز ایران این مزدبگیران»، «از کارگران صنعتی و صنوف کشاورزی و کارمندان دولت و بخش خصوصی و کارگران بخش خدمات و توزیع و معلمان و پرستاران گرفته تا رانندگان اتوبوس واحد را شامل می‌شوند.»

با توجه به آمارهای رسمی و غیر رسمی بیش از ۴۰ میلیون از جامعه ایران شامل طبقه مزدبگیر می‌باشند، حال باید روشن سازیم که با توجه به ناکارآمدی اقتصادی در حاکمیت سیاسی و مشکلات متعددی که جامعه مزدبگیر در ایران دارد، چرا موتور تحولات اجتماعی ایران با تکیه بر طبقه مزدبگیر همچنان خاموش است و لازماً آن حرکتی که برای رسیدن به مطالبات متعدد دارد، آغاز نکرده است؟ برای پاسخ به این سؤال می‌بایست به علل متعدد اشاره کرد که حجم پاسخ به آن در این نوشتار نمی‌گنجد و ما تنها به یکی از پاسخ‌های مبنائی در این مورد به صورت موجز می‌پردازیم.

یکی از مهم‌ترین مواردی که می‌تواند مطالبات همه‌گیر در طبقه مزدبگیر را به یک خواست عمومی تبدیل سازد و عامل حرکت و هدف‌مندی حضور متفرق طبقه مزدبگیر در حوزه عمومی گردد؛ مبارزه فراگیر با تکیه بر نهادها و سندیکا‌های اقشار مزدبگیر است. در حال حاضر بیش از هزاران نهاد کارگری، صنفی در جامعه ایران فعالیت می‌کنند که فارق از تعداد انگشت شماری که به صورت مستقل فعالیت دارند، اکثریت آنان به عنوان نهادهای زرد کارگری و صنفی در زیر نظر حاکمیت و با سیاست‌های فرمایشی در طبقه مزدبگیر حضور دارند و تماماً پتانسیل مبارزاتی آنان را هدایت می‌کنند. اما دو عامل مهم در شرایط طبقاتی ایران باعث گردید تا نهادهای زرد حکومتی ناچار شوند تا در پروسه به انعکاس مطالبات بر حق مزدبگیران در ایران گردن نهند:

اولاً؛ فشار مضاعف ناشی از اقتصاد سرمایه‌داری رانتی و دلالی و کاهش مستمر در عدم استفاده از پتانسیل قانون کار و تأمین اجتماعی جهت رفع بحران طبقاتی باعث گردید تا مشروعیت نسبی قوانین و این نهادها در برابر مطالبات میلیون‌ها مزدبگیر به زیر علامت سؤال برود.

دوماً؛ گرچه فشار مضاعف بر طبقه مزدبگیر شدت یافته و حاکمیت نیز در این شرایط عامل آن بوده است، اما اعتراضات اجتماعی و مستقل حتی در شکل دفاعی و واکنشی مزدبگیران طی دهه اخیر نیز با افزایش چشمگیری همراه بوده است. اعتراضات طبقه مزدبگیر در آنجا برجسته می‌شود که کمیت طبقه وجود دارد و با نگاه به تحركات مزدبگیران مشاهده می‌گردد جایی که کثرت نیروی مزدبگیر وجود داشته، نهادهای صنفی نیز در شکل زرد و دولتی و چه مستقل در پشت آن حرکت‌ها قرار دارند. هم اینک بیش از

۱۲ هزار نهاد صنفی زرد و دولتی در اشکال متفاوت آن فعالیت می‌کنند که در پشت شمار زیادی از اعتصابات و اعتراضات صنفی قرار دارند. سوالی که در زیر به آن می‌پردازیم آن است که آیا با شرکت نهادهای صنفی زرد در پشت هر اعتراض و اعتصابی مشروعیت آن حرکت از بین می‌رود؟ و چنانچه در حرکت‌هایی که حتی با رهبری نهادهای صنفی زرد صورت می‌گیرد، - مطالبات مزدگیران مطرح شود و به خواسته‌های هر چند مقطعی دست یابد - آیا آن حرکت فاقد اصالت مبارزاتی- صنفی است، یا گامی هر چند کوچک در جهت افزایش خواست عمومی به حساب می‌آید؟

تظاهرات مشترک ۲۵ و ۲۹ آبان ۹۵ تشکل‌های مستقل کارگری با بدنه تشکل‌های زرد حکومتی، که در برابر مجلس رژیم مطلقه ققاهتی و با اعلام پلاتفرم مشترک شرکت کردند باعث گردید تا به یک باره تمامی جناح‌ها و جریان‌های درون حکومت در برابر اعتلای دوباره جنبش کارگری ایران احساس خطر کنند و با عقب‌نشینی فوری و موقت و پس گرفتن لایحه اصلاح قانون کار از مجلس (که عامل هم‌سوئی تشکلات مستقل کارگری با تشکلات زرد حکومتی کارگری شده بود) آب بر روی خرمن آتش بریزند.

این مطالبات عبارت بودند از؛

الف - اعتراض به لایحه اصلاح قانون کار.

ب - تقاضای افزایش دستمزد.

ج - درخواست حق تشکل‌های مستقل.

د - درخواست لغو قراردادهای موقت.

ه - درخواست آزادی فعالیت‌های سندیکائی.

و - درخواست آزادی رهبران سندیکائی زندانی شده.

ز - درخواست امنیت شغلی و....

بی‌شک اگر چنانچه معیار ما در اعتراضات و اعتصابات صنفی تحقق مطالبات انباشته شده توسط طبقه مزدبگیر باشد، و در این راستا نهادهای صنفی بتوانند به تحقق آن خواسته‌ها یاری رسانند، این تعامل همیاری مبارزاتی نه در استراتژی (که نهادهای صنفی بی‌شک و وابسته به حکومت و در تحلیل نهانی منافع حاکمیت سیاسی را تأمین می‌کنند و همچنین در راستای حفظ هژمونی خود بر این تشکل‌ها می‌باشند)، اما در تاکتیک مبارزاتی و به عنوان یک ضرورت عینی می‌توانند راهگشای طرح مطالبات و تبلیغ در عرصه عمومی بوده و منجر به جذب نیروی اجتماعی و در درازمدت عامل پیوند مبارزاتی با دیگر جنبش‌های اجتماعی گردد.

لازم به تأکید است که تنها جنبش اجتماعی که می‌تواند در مقابل دیو استبداد و استثمار به مقابله بایستد، طبقه مزدبگیر است که در این رابطه هر آنچه که می‌تواند به آگاهی و انسجام درونی این طبقه، به طرح مطالبات طبقه و تبلیغ مبارزات آن در حوزه عمومی یاری رساند، به عنوان ابزاری محسوب می‌گردند که در تکوین حرکت بیرونی و آزاد شدن پتانسیل طبقه مزدبگیر عمل خواهد کرد. در این رابطه پس گرفتن لایحه اصلاح قانون کار از مجلس می‌تواند نمونه ای باشد در کمک به بخشی از چپ‌پس پازل قدرت در صفوف مبارزات صنفی- طبقاتی و به نفع طبقه مزدبگیر، که با تکیه بر مطالبات بر حق خود توانست حتی نهادهای صنفی زرد را به دنباله‌روی از مبارزات خود بکشاند.

عدم پرداخت معوقات کارگران پیمانکاری رجا

بیش از پانصد کارگر پیمانکاری شرکت حمل و نقل ریلی رجا هنوز دستمزد آذر ماه خود را نیز دریافت نکرده‌اند. این کارگران که بارها به مقامات مسئول در شرکت رجا مراجعه کرده‌اند، می‌گویند: شرکت رجا می‌گوید به طور منظم با شرکت‌های پیمانکاری تسویه حساب می‌کند و مسئولیت عدم پرداخت معوقات، بر عهده خود شرکت‌های پیمانکاری است. از آن طرف، پیمانکاران می‌گویند نقدینگی نداریم. در حال حاضر، کارگران فنی، برق و موتوربست رجا که در شرکت‌ها پیمانکاری مختلف مشغول به کار هستند، نگران روزهای پایانی سال هستند و می‌گویند: اگر اوضاع بر همین منوال پیش برود، احتمالاً پرداخت بخشی از مطالبات مزدی سال جاری، به سال بعد واگذار می‌شود و این مساله برای کارگران پیمانکاری، نگران‌کننده است.

YouTube

سایت پیشگام مستضعفین
در یوتیوب



سایت پیشگام مستضعفین
در تلگرام



قرار دادهای سه ماهه تا یکساله نافی امنیت شغلی است

ناصر شکوهی، فعال حوزه کارگری در گفت و گو باخبرنگار اقتصادی باشگاه خبرنگاران جوان؛ یکی از موانع و چالش های جدی در این حوزه به قرار دادهای سه ماهه تا یکساله کارفرمایان معطوف می شود که به نوعی می توان از آن تحت عنوان اهرم فشار برخی کارفرمایان علیه کارگران یاد کرد که به نوعی کارگر را مجاب می کند در قبال مطالبات بر حق خویش از کارفرما سکوت کند در غیر این صورت احتمال عدم تمدید قرار داد او از سوی کارفرما دور از ذهن نخواهد بود. به واقع، تهدید و دغدغه تعدیل احتمالی نیرو، کارگران را در مقابل برخی کارفرمایان دست بسته نگه می دارد و به ناچار ناگزیر به سکوت هستند و نمی توانند آنچنان که باید نسبت به احقاق حق خویش از کارفرما اقدام کنند. البته قوانین کار، پیش بینی های لازم را در این خصوص داشته و دارد، لذا می طلبد با بازبینی در برخی موارد، راه های فرار کارفرمایانی که توجه چندانی به حقوق کارگران ندارند مسدود شود و با تقویت و ارتقای ضمانت اجرایی قوانین می توان این دغدغه و انتظار به حق کارگران را مرتفع و تامین کرد. قطعاً هر آنچه ضریب موفقیت ها، ثبات و پیشرفت اقتصادی ارتقا یابد شاهد تعطیلی کمتر کارخانجات، مراکز صنعتی و تولیدی به عنوان کانون اصلی فعالیتی کارگران خواهیم بود و خروجی این امر، در ارتقای امنیت شغلی این طیف زحمتکش و تاثیر گذار در پیشبرد اهداف اقتصادی کلان کشور غیر قابل انکار خواهد بود.

تاخیر ۶ ماهه در پرداخت دستمزد ۵۰ کارگر پیمانکاری سد سرداب

کارگران شرکت پیمانکاری مهندسی آب و خاک؛ صبح امروز پنجشنبه (۷ بهمن ماه) به ایلنا گزارش دادند که باوجود پیگیری مداوم آنان برای دریافت به موقع دستمزدشان، پیمانکار این پروژه ۶ ماه دستمزد کارگران را به همراه سه ماه حق بیمه پرداخت نمی کند. حدود ۵۰ کارگر شاغل در پروژه سد سرداب فریدونشهر که از اردیبهشت ماه سال ۹۰ زیر نظر شرکت مهندسی آب و خاک در پروژه سد سرداب فعالیت دارند؛ از مرداد ماه حقوق نگرفته اند. یکی از کارگران شرکت مهندسی آب و خاک در پروژه سد سرداب در تشریح جزئیات مطالبات همکارانش توضیح داد: معوقات مزدی کارگران به ماه های مرداد، شهریور، مهر، آبان، آذر و دی ماه در سال جاری به همراه سه ماه حق بیمه آبان آذر و دی مربوط می شود. نیروی کار پیمانکاری شرکت مهندسی آب و خاک در پروژه سد سرداب فریدونشهر دارای سوابق کاری سه تا ۴ ساله اند که فعالیت ۳۰ نفر از همکارانمان به دلیل متوقف شدن فعالیت پروژه در برخی از فصول محدود شده و آنها بیکار می شوند و کارگران باقیمانده نیز مسئولیت نگهداری و نگهداری از پروژه و ماشین آلات را بر عهده می گیرند. این منبع خبری دلیل افزایش مشکلات پرداخت حقوق کارگران را تامین نشدن منابع مالی پیمانکار دانست و در ادامه گفت: شرکت مهندسی آب و خاک در اجرای پروژه سد سرداب حدود ۵۰ کارگر قراردادی دارد که در حال حاضر ۲۰ نفرشان مشغول کارند. ۳۰ نفر دیگر نیز بدون دریافت مطالبات مزدی خود موقتاً بیکار هستند. او با بیان اینکه شرکت مهندسی آب و خاک باید تکلیف نهایی معوقات حقوقی کارگران پیمانکاری زیرمجموعه خود را مشخص کند؛ گفت: شرکت مهندسی آب و خاک هر ماه به بهانه نداشتن منابع مالی از پرداخت حقوق کارگران در موعد مقرر طفره می رود.



خشونت در جامعه بیداد می کند

معمولاً معاون و مربی پرورشی، تخصص کافی در تمام این رشته های هنری را ندارند/ ارسال بخشنامه های معاونت پرورشی آن قدر سریع است که معاونان پرورشی گاه فرصت اطلاع رسانی تمام بخشنامه ها را هم پیدا نمی کنند/ از پوسترهایی که بر در دیوار مدارس نصب می شود، بیشترین حجم به پوسترهای مذهبی و اعتقادی اختصاص دارد/ اغلب معاونان پرورشی از حجم زیاد بخشنامه های این معاونت شاکی هستند و به گفته خودشان صدایشان به جایی نمی رسد/ شتابی که معاونت پرورشی وزارتخانه برای تربیت دینی نوجوانان این کشور در پیش گرفته، خارج از حد متعارف است و باید به این معاونت گفت: به کجا چنین شتابان .../ تجارب این سال ها نشان می دهد از این تکرارها نتیجه مطلوبی نگرفته ایم و علیرغم تمام این تبلیغات نتوانسته ایم بر گرایش های فکری نوجوانان تاثیر قابل توجهی بگذاریم. هر چه در مسائل اعتقادی سخت گیری ها را بیشتر کردیم و در را به روی اندیشه های نو بستیم، کم توجهی ها در این نسل بیشتر شد/ در انبوه برنامه های پرورشی، به حوزه های ملی و میهنی و حتی ادبی کمتر توجه می شود/ در این زمینه خط قرمزها زیاد هستند و آن قدر تنوع تصمیم گیری هست که کسی حتی به پیشنهاد دادن هم فکر نمی کند/ روانشناسان، معتقدند موسیقی می تواند در درمان اختلالات روانی مؤثر باشد/ در مراسم صبحگاه بعد از قرائت دعا و احادیث، غالباً نصایح تکراری، تهدید نمره انضباط و به مناسبت هایی شعارهای مرگ بر ... مرگ بر برگزار می شود/ در بسیاری از کشورها آموزش موسیقی یک واحد درسی است و کودکان با موسیقی بزرگ می شوند/ امروزه خشونت در جامعه ما بیداد می کند/ برای کاهش خشونت باید جامعه را به شادی و آرامش سوق داد/ برای ایجاد چنین تحولاتی و برای شادکردن فضای مدارس، به تحولی جدی در نگرش مدیران و مسئولان آموزش و پرورش نیازمندیم...

بخشی از نظرات فاطمه سادات اشرفی زاده عضو شورای نویسندگان سایت صدای معلم

زنگ خطر بیکارسازی زنان کلید خورد:

بازنشستگی بدون محدودیت زنان شاغل با ۲۰ سال سابقه کار

نمایندگان مجلس شورای اسلامی تصویب کردند که زنان شاغل می توانند با ۲۰ سال سابقه کار بدون محدودیت سنی بازنشسته شوند. بر اساس این مصوبه، دستگاهها، سازمانها و شرکت های دولتی و عمومی غیردولتی تابع صندوق های بازنشستگی اعم از کشوری یا تأمین اجتماعی موظف هستند با درخواست بازنشستگی بانوان شاغل که دارای حداقل ۲۰ سال سابقه خدمت هستند بدون محدودیت سنی موافقت کنند. به موجب این مصوبه میزان محاسبه حقوق آنها بر اساس تعداد سال های کارکرد و پرداخت حق بیمه شان خواهد بود.

نهادهای مستقل تنها ابزار تحقق مطالبات مزدگیران می باشد

نامه علی ترابیان زلیوا، دبیر مدارس شهرستان دلفان در رابطه با طرح پیشنهادی کاهش سن باز نشستگی زنان

با سلام

از کرامات شیخ ما اینست شیره را خورد و گفت شیرین است یک کرامات دیگرم دارد؛ ابر را دید و گفت می بارد.... حضرت مستطاب جناب دکتر حاجی بابایی (نماینده ی مجلس و ریاست کمیسیون تلفیق برنامه ی ششم توسعه) شما در دفاع از طرح پیشنهادی کاهش سن باز نشستگی زنان به بیست سال بیانات گوهر باری داشته اید نکته ی اول - فرض می کنیم که تمامی مطالب شما درست باشد و این مصوبه بار مالی نداشته و منتقدان همگی نا آگاه باشند؛ حال با شما چند سخن و گزاره ی منطقی را در میان می گذارم.

با توجه به اینکه شما وزیر آموزش و پرورش بوده اید:

گزاره ی اول: آیا قبول دارید که جمعیت کارکنان وزارت آموزش و پرورش چیزی حدود ۹۵۰ هزار نفر می باشند؟

گزاره ی دوم: آیا قبول دارید حدود نیمی (تقریباً ۵۳ درصد) از پرسنل وزارت آموزش و پرورش بانوان محترم می باشند؟

گزاره ی سوم: آیا قبول دارید که نیمی از کارکنان آموزش و پرورش در ۱۰ سال آینده بازنشسته می شوند و مفهومش این است که ۵۰۰ درصد کارکنان آموزش و پرورش بالای بیست سال سابقه کار دارند؟

حال از گزاره های فوق می توان به این نکته رسید که حدود ۴۸۰ هزار نفر از پرسنل وزارت آموزش و پرورش بانوان می باشند و نیمی از این بانوان یعنی حدود ۲۴۰ هزار نفر بالای ۲۰ سال سابقه فعالیت دارند.

جناب حاجی بابایی

از شما می پرسم اگر فرضاً از سال آینده همه ی بانوان بخواهند از این مصوبه مجلس استفاده کنند و به باز نشستگی پیش از موعد نایل آیند؛ شما چه برنامه ای برای حل مشکلات زیر دارید:

چگونه می خواهید خلا ناشی از این کمبود نیرو را جبران کنید؟ آیا می خواهید نرم کلاس های درس را به ۱۰۰ نفر برسانید؟ آیا می خواهید برای سال آینده ۲۴۰ هزار نیروی جوان زن را استخدام کنید؟

این ۲۴۰ هزار نیرو هر کدام، نیاز به حداقل ۴۵ میلیون تومان پاداش بازنشستگی دارند که دستگاه مربوطه یعنی وزارت آموزش و پرورش باید بپردازد، مجموع این مبلغ حدود ۱۱ هزار میلیارد تومان می باشد؛ آیا این مبلغ را در بودجه ی سال ۱۳۹۶ وزارت آموزش و پرورش منظور کرده اید؟

مطلب دوم:

حضرت تان در اولین نشست شاخه فرهنگیان جبهه مردمی انقلاب اسلامی دوباره افاضاتی داشته اید. در این جلسه به نکاتی اشاره کرده اید از جمله فرموده اید: (حقوق های نجومی برارنده این جامعه نیست. عدالت نیست یکی یک میلیون تومان حقوق بگیرد و یکی پنجاه میلیون) راستی از شما می پرسم بین امثال من و امثال شما مقصر به وجود آمدن این وضعیت کیست؟ من که در طول دوران خدمت به جز معلمی کاری نداشته ام. اگر حقوق های نجومی قانونی است که مقصر اصلی آن شما هستید؛ چرا که چند دوره نماینده ی مجلس بوده اید و این گونه قوانین را تصویب کرده اید، اگر حقوق های نجومی به علت قدرت اجرایی به وجود آمده باز مقصر اصلی شما هستید؛ چرا که چهار سال وزیر بوده اید و در کابینه حضور داشته اید؛ پس باید اذعان کنید که مشکل به علت وجود امثال شما با نشستن بر هر نوع صندلی چه سبز و چه سیاه به وجود می آید. در همان جلسه فرموده اید: ... (جبهه یک حرف دارد؛ نه به وضع موجود؛ وضعیتی که در جامعه به وجود آمده است؛ خواسته مردم نیست؛ خواسته شهیدان نیست؛) در خلوت از خودتان بپرسید مقصر وضع موجود کیست؟ کدام جوان بیکار تحصیل کرده این وضعیت را به وجود آورده؟ بپرسید کدام روستایی کشاورز باعث این وضع شده؟ کدام معلم سر کلاس باعث به وجود آمدن مشکلات شده؟ و....

باز در همان جلسه فرموده اید: ... (باید طرحی نو در انداخت، زمانی که از بالا به پایین تصمیم بگیریم جواب نمی دهد، باید همه در تصمیم گیری و تصمیم سازی مشارکت کنیم، باید همه قبول کنیم و بپذیریم؛ باید با هم حرکت کنیم، یک حرکت جمعی برای تغییر وضع موجود جواب می دهد.) راستی خودتان به این حرف تان اعتقاد دارید؟ یک بار به آن عمل کرده اید؟ اصلاً خودتان در خلوت به این بینه نمی خندید؟ ما که هم شما را می شناسیم و هم نوع تصمیمات شما را و هم روش اعمال آنها را، آقای حاجی بابایی به قول معروف پیش غازی معلق بازی !!! (غازی به معنی بند باز) اما در این جلسه بیان زیباتری داشته اید: ... (معلمان باید بیایند، حرکت کنند، اگر نظام می خواهد سر پا بایستد باید همه کارها را رها کنیم فقط به آموزش و پرورش برسیم.)

از شما می پرسم منظورتان از آمدن معلمان چیست؟ ما که سال هاست می آییم! بار هاست که مشکلات را گفته ایم و نوشته ایم.

من خوب متوجه نمی شوم! باید به کجا بیاییم!

مطابق این رویکرد کارگر کسی تعریف می‌شود که در روابط تولید سرمایه‌داری به علت فقدان سرمایه، با فروش نیروی بازو یا نیروی فکر خود یا هر دو به صاحبان سرمایه، امرار معیشت و زندگی می‌کنند» به عبارت دیگر مطابق رویکرد دوم به تعریف کارگر در نظام سرمایه‌داری است که، «کارگر مترادف با همان مزدبگیری می‌شود که در مناسبات سرمایه‌داری در قبال دریافت مزد جهت امرار معاش و زندگی مجبور می‌شود تا نیروی بازو و فکر خود یا هر دو را با هم در اختیار سرمایه قرار دهد.» در نتیجه مطابق این کانتکس است که «کارگر یا مزدبگیر با خارج شدن از محدوده تولید و کارگاه، تمامی مؤلفه‌های خدماتی و تجاری را در برمی‌گیرد و از پائین‌ترین طبقات اجتماعی تا قشر میانی غیر صاحب سرمایه را شامل می‌شود...»

... جایگاه کارگر در عرصه روابط طبقاتی مناسبات سرمایه‌داری، «کارگر عبارت از گروه اجتماعی یا بزرگ‌ترین گروه اجتماعی می‌گردد که در جامعه از طریق مزدبگیری توسط فروش نیروی کار یا نیروی فکر خود امرار معاش می‌کنند، و از خود هیچ اختیاری ندارند و این کارفرمایان و صاحبان سرمایه هستند که بر او شکل کار و مزد و مزایا را به دلخواه و در چارچوب هر چه بیشتر کاهش هزینه خود، تحمیل می‌کنند» و از اینجا است که این تعریف کارگر با رویکرد دوم، علاوه بر اینکه باعث نجات طبقه کارگر تولیدی از سکتاریست می‌گردد، و همپیمانان طبیعی طبقه کارگر تولیدی در پیوند طبقاتی با او قرار می‌گیرند و اکثریت افراد جامعه در کشورهای سرمایه‌داری شامل آن می‌شوند و جایگاه رهبری یا هژمونی کارگران تولیدی یا پرولتاریای صنعتی در جنبش کارگری یا مزدبگیران محفوظ می‌ماند و در کشورهای پیرامونی مثل جامعه امروز ایران چاره‌ساز گره کور جنبش‌های اجتماعی و بسترساز خروج این جنبش‌ها از رکود فعلی می‌شود. زیرا جامعه امروز ایران از یکطرف گرفتار ضعف مناسبات سرمایه‌داری وابسته و غیر ساختی می‌باشد و از طرف دیگر همین مناسبات سرمایه‌داری توسط سلطه یافتن، سرمایه‌های تجاری به صورت قاچاق و واردات و سرمایه نفتی و بازار رانتی و فساد چند لایه‌ای خود بسترساز نابودی تمامی سرمایه‌های ملی و سرمایه تولیدی و صنعتی شده است، و سرمایه‌های موجود تولیدی باز در خدمت سرمایه مسلط تجاری و دولتی درآمدده است و همین امر باعث گردیده تا سرمایه‌های تولیدی که بیش از ۸۶٪ آن باز در اختیار حکومت و دولت می‌باشد، در حال رکود مطلق باشد....

... تعریف دوم از کارگر که همان مزدبگیران دولتی و غیر دولتی می‌باشند و در سه عرصه تولیدی و توزیعی و خدماتی کار می‌کنند و در قبال دریافت مزد بخور و نمیر، نیروی کار و یا نیروی فکر خود را به فروش می‌گذارند برای جامعه امروز ایران دارای عملکرد و فونکسیون مثبت می‌باشد، چراکه «در جامعه امروز ایران کارگر با تعریف مزدبگیر، کسی است که مجبور می‌شود جهت امرار معاش خود نیروی بازو و فکر و هر دو خود را در برابر مزد بخور و نمیر به صاحبان سرمایه اعم از حکومت و دولت و دستگاه‌های شبه دولتی و بخش خصوصی بفروشد؛ لذا اکثریت در جامعه ۲۲ میلیون خانواری ایران امروز، بیش از ۱۵ میلیون خانوار آن مزدبگیر می‌باشند که در جامعه امروز ایران این مزدبگیران، «از کارگران صنعتی و صنوف کشاورزی و کارمندان دولت و بخش خصوصی و کارگران بخش خدمات و توزیع و معلمان و پرستاران گرفته تا رانندگان اتوبوس واحد را شامل می‌شوند...»

بخشی از مقاله جنبش مزد بگیران ایران» در ترازوی «جنبش کارگری ایران» قسمت اول

وقتی نشر مستضعفین می‌گوید «جنبش سوسیالیستی ایران، مقصود جنبش کارگری ایران اعم از کارگران تولیدی و توزیعی و خدماتی می‌باشد.»

زمانی که می‌گوئیم، «جنبش مزدبگیران ایران، مقصودمان جنبش اجتماعی یا جنبش زحمتکشان شهر و روستاهای ایران می‌باشد» که تا زمانیکه این جنبش اجتماعی یا جنبش زحمتکشان شهر و روستا به حرکت در نیاید، هیچکدام از شاخه‌های جنبش دموکراتیک و جنبش سوسیالیستی ایران نمی‌توانند راهی به ده پیدا کنند. در سال ۸۸ این جنبش زحمتکشان یا جنبش اجتماعی ایران بود، که در غیبت جنبش کارگران ایران تحت هژمونی جنبش سبز حرکت کرد و بالاخره به علت غیبت جنبش کارگران ایران، گرچه جنبش دموکراتیک تمام قد در کنار جنبش زحمتکشان یا جنبش اجتماعی ایران حضور داشت، شکست خورد و به همین علت امروز جنبش زحمتکشان یا جنبش اجتماعی ایران در حال رکود به سر می‌برد.

علی ایحال، «تا زمانیکه این رکود جنبش اجتماعی یا جنبش زحمتکشان یا جنبش مزدبگیران ایران شکسته نشود، هیچ جنبشی در ایران نه می‌تواند حرکت کند و نه اگر هم حرکت بکند، می‌تواند کاری به انجام برساند.»

بخشی از مقاله جنبش مزد بگیران ایران... قسمت دوم